



سیر یک نظریه هنری از یونان باستان تا حکمت اسلامی

«در باب نظریه محاکات» (نظریه هنر در فلسفه یونانی و حکمت اسلامی) تازه ترین کتاب حسن بلخاری است که از سوی نشر هرمس منتشر شده است.

#171& در باب نظریه محاکات» (نظریه هنر در فلسفه یونانی و حکمت اسلامی) تازه ترین کتاب حسن بلخاری است که از سوی نشر هرمس منتشر شده است.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، این کتاب دو بخش کلی دارد که یک بخش آن در برگزیده سیر تاریخی و تحول نظریه ممیزیس (محاکات) در تاریخ اندیشه و هنر غرب است.

در بخش دوم نیز به حضور و سابقه این اصطلاح و نظریه در رویکرد مترجمان و فلاسفه مسلمان می‌پردازد. مترجمانی چون ابی بشر متی بن یونس و اسحاق بن حنین و فلاسفه‌ای چون کندی، فارابی، ابن سینا، اخوان الصفا، خواجه نصیر الدین طوسی و به ویژه جلال الدین دوانی که در باب محاکات آرای ویژه‌ای دارد.

همچنین در فصل سوم و با رویکرد تطبیقی نظریه سادرسیا (Sadrsia) در حکمت هندو و نظریه Mimesis در قلمرو رأی و نظر نوافلاطونیان به بحث گذاشته شده و در فصل پایانی نیز رویکرد حکمت و عرفان اسلامی به محاکات و همچنین بازتاب آن در آثار هنری به ویژه معماری تبیین شده است.

در میان چهار نظریه ذات‌گرا و مشهوری که در باب تبیین ماهیت هنر در تاریخ فلسفه هنر طرح گردیده است نظریه ممیزیس (که در فرهنگ ما به محاکات و تقلید ترجمه شده است) مشهورترین، مهمترین و قدیمی‌ترین نظریه در تبیین ماهیت هنر است. نظریه‌ای که قدمت آن از منظر آیینی به ایده‌های یونانیان در باب اسطوره‌ها و از منظر فلسفی به اندیشه‌های افلاطون و ارسطو بازمی‌گردد.

این نظریه که مبنای نفی هنر از سوی افلاطون شد (با ادعای تقلید هنرها از اشیایی که خود تقلید ناقص ایده‌هایند) در نزد ارسطو مکانتی در خور یافت و به ویژه در بوطیقا یا فن الشعر مورد توجه و تأملی کاملاً فلسفی قرار گرفت. او ممیزیس را تقلید احوال و کردار انسان دانست و در بحث تراژدی و کمدی از آن بهره بسیار جست.

نوافلاطونیان و در رأس آنها فلوطین، در قرون اول میلادی دیدگاهی نوین در باب این نظریه ابداع کردند. نظریه‌ای که اینک در پناه نظریه فیض یا صدور، هنر را تقلید صور معقول و نه صورتهای مادی ناقص می‌دانست. مفهومی که مورد استقبال حکمای مسیحی و سپس مسلمان قرار گرفت.

این کتاب در قطع رقعی، 182 صفحه و در 1000 نسخه به چاپ رسیده است.